

# نیم قرن با ورزش گناباد

۱۳۸۴-۱۳۳۵

حسین پور ابراهیم - حمیدرضا عشقی

پور ابراهیم، حسین، ۱۳۳۷ -  
نیم قرن با ورزش گناباد، ۱۳۸۴ / ۱۳۳۵ / حسین پور ابراهیم، حمیدرضا عشقی، مشهد:  
انتشارات مرنديز، ۱۳۸۴.  
۱۱۲ ص: مصور، عکس.  
ISBN 964-5828-98-8  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
۱. ورزش ایران گناباد تاریخ، ۲. ورزشکاران ایرانی گناباد، ۳. مسابقات ورزشی  
ایران گناباد، الف، عشقی، حمیدرضا، ۱۳۳۷، ب، عنوان.  
۹ ت ۹ / ۵ / ۶۵۸ JB ۷۹۶۱۰۹۵۵۸۲۷۷  
کتابخانه ملی ایران ۸۴-۲۵۶۴۴ م



نشر موندیز

---

۰۵۱۱-۸۴۱۲۹۰۴      ۰۲۱-۶۶۹۶۴۱۶۴

---

● نیم قرن با ورزش گناباد ●

مؤلفین: حسین پورابراهیم - حمیدرضا عشقی

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

چاپ: گلنشر

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ است

---

ISBN 964-5828-98-8

# فهرست

| عنوان                    | صفحه         |
|--------------------------|--------------|
| - مقدمه                  | یک           |
| - نام آوران ورزش گناباد  | هفده         |
| - کشتی                   | بیست و دو    |
| - فوتبال                 | پنجاه و یک   |
| - بسکتبال، والیبال       | هفتاد و سه   |
| - دو میدانی              | هشتاد و چهار |
| - ورزشهای باستانی و رزمی | نود و دو     |
| - سایر تصاویر ورزشی      | نود و هفت    |

## — مقدمه

نگاهی به دشت وسیع و گسترده تاریخ و حوادث و رویدادهای بزرگ و کوچک آن که سلسله وار همه زنجیره‌های زندگی بشری را شکل داده‌اند ما را به دوران پیدایش و سکنی گزیدن انسان بر روی زمین می‌رساند، آنجا که بشر اولیه او را بر آن داشت با ابزارهای محدود، مقدمات سلطه بر طبیعت را فراهم آورد. انسان در راه دراز و پرفراز و نشیب، بر اساس احتیاجات خود مجبور به یادگیری حرکات و سکناتی شد تا اسباب دوام و بقای وی را موجب شوند و کم‌کم این حرکات بنیاد برخی از مهارت‌ها را پی ریزی کرد، مهارتهایی نظیر شکار، تیراندازی، شنا، فرار از دست حیوانات وحشی و عوامل طبیعی و غیره، برخی نتیجه تقلید از حیوانات و بعضی دیگر نتیجه بکارگیری نیروی دریافت و قدرت استنتاج و استنباط انسان بوده است و همین عامل اخیر باعث رشد و توسعه آن گردید، پس از آنکه نیازها، یادگیری مهارت‌ها را به بشر تحمیل کرد، او در ایامی که در غارها سکنی گزید بر اثر عوامل نامساعد طبیعی، چون سرما، گرما، برف و باران، طوفان و غیره شاید ساعات یا روزهای متمادی در محل زندگی خود مجبور به اقامت طولانی می‌شد و در این ایام بود که تمرین مهارت‌ها صورت جدی‌تری بخود می‌گرفت، انسان در این مواقع علاوه بر ساخت ابزار به مرور مهارت‌ها و پردازش او‌هام و خیالات خود می‌پرداخت.

تربیت بدنی در هر سرزمینی متناسب با ریشه‌های تاریخی و تمامی عوامل مؤثر در آن در نزد انسانها جزء لاینفکی از فرهنگ عمومی بوده است و وجود بازیهای بومی محلی هر

منطقه دلیل واضحی بر این مدعا است، برخی از این بازیها در قالب آداب و سنن ملی خود را در دل رخدادهای تاریخی پنهان کرده‌اند و برخی دیگر به وضوح ایفای نقش بی بدیل خود را در پر کردن اوقات فراغت آدمیان به ظهور رسانده‌اند.

تاریخ و قدمت تمدنها و فرهنگها از طریق کشف آثار و ابنیه تاریخی مربوط به پیشینیان هر قومی یا سرزمینی مشخص می‌شود و باگشت و گذاری در تاریخ بر اساس وجود آثار کهن و باستانی که در منطقه گناباد وجود دارد بدون هیچ کنکاشی می‌توان آن را «پیر تاریخ» نامید که از دیرباز محل سکونت مردمانی سخت کوش و قناعت پیشه و آینده نگر بوده است، در متون تاریخی که در این مقال نمی‌خواهیم با ذکر یکایک آنها اسباب اطناب مطب را فراهم کنیم، گناباد را در زمره آبادیها و شهرهای کهن ایران به حساب می‌آورد. «گناباد پیر تاریخ - دکتر عباس زمانی».

تربیت بدنی و ورزش در گناباد قدمت دیرینه داشته و همپای تولد این منطقه بوده است، زیرا به گفته حکیم طوس در شاهنامه فردوسی این ناحیه از خراسان محل حضور یا فرود شاهان، پهلوانان و اساطیر جاودانه بوده است که آثار و اماکن تاریخی نظیر، (خرابه‌های شهر پشن، تپه پشته، تپه نقاره خانه، تپه اروک، قلعه فرود، قلعه زیبد، قلعه رستم، قلعه شاه نشین، قنات قصبه) نشان از آن دارد، و کسانی که فردوسی از آنان نام برده است از جمله اولین طلایه داران ورزش و تربیت بدنی در جنوب خراسان بزرگ محسوب می‌شوند که در کتاب شاهنامه به شرح زندگی آنان پرداخته است.

خواستگاه ورزش و تربیت بدنی در گناباد همچون سایر مناطق ایران وجود حاکمان و پهلوانان نامی بوده است که در هر سرزمینی، زمان و مکانی را جهت بروز جلوه گری توانمندیهای خود بالاجبار ایجاد میکرده اند و بخش مهم از این جلوه گریها را در آداب و سنن هر منطقه تعبیه و در طول زمان بومی کرده اند، از طرفی نیاز انسان به ابزارهایی جهت پر کردن اوقات فراغت، آنان را واداشت تا با تقلید یا خلاقیت فردی یا جمعی از آن وسایل یا ابزارها استفاده نمایند.

اینک از اوج قله های مه آلود و دور دست تاریخی نگاه خود را معطوف به آن قسمت از شرق ایران زمین می افکنیم که قدمتش به قرنهای قبل می رسد، آثار باستانی جنوب آن منسوب به فرود «شاهزاده کیانی» و در شمال آن دشت پشن با آثاری از همان زمانها و جالب آنکه نام این ناحیه از خراسان یعنی گناباد هم بر اساس اقوال مورخان و اشعار شاهنامه برگرفته از پهلوانانی نظیر گیو و گودرز بوده است، با توجه به اثر نامهای قدیمی و آثار باستانی، به طور قطع چنین معلوم می شود که گناباد قبل از اسلام وجود داشته است و اگر پیدایش آن توسط گیو باشد مربوط خواهد بود به هشت قرن قبل از میلاد، بر بلندای شهری در چهل کیلومتری شمال شرق گناباد ایستاده و به اعماق تاریخ می نگریم، می نشینیم و با نظاره قطعات سفال بر جای مانده از قرنهای قبل از میلاد شهر باستانی پشن را بیاد می آوریم.

شیخون زپیران به جنگ پشن

به لادن که آمد سپاه گشن

گذرگاهی که قسمتهای داخلی فلات ایران باستان را به قسمتهای شرق آن متصل می‌کرده است، ویرانه‌هایی در وسعت زیاد که امروزه به صورت تپه‌ها و تلهای بزرگ و کوچکی مورد هجوم تندر حوادث روزگار و بلایای طبیعی واقع شده است. تپه‌های اروک، نقاره‌خانه، پشته که هر کدام هزاران راز سر به مهر نهاده در دل خود جای داده‌اند، دست را بر چشمها سایبان کرده و در کنار این آبادی قشون ایرانیان را نظاره می‌کنیم که هر دسته و گروه به کاری مشغول، مردم برخی در حال داد و ستد و کارروازانه و برخی در کارگل و ساختن بناها و استحکامات و قلعه‌های متعدد.

و یا نظاره می‌کنیم به جنوب دشت گناباد و جنوب غربی آن و قلعه‌های فرود، رستم، زبید و غیره را در دامنه و بالای کوههای رفیع می‌بینیم که در این آوردگاه، ایرانیان آماده جنگ با تورانیان می‌شوند.

|                             |                                |
|-----------------------------|--------------------------------|
| دو سالار هر دوز کینه به درد | همی روی بر کاشته از نبرد       |
| یکی سوی کوه گنابد برفت      | دگر سوی زبید خرامید تفت        |
| ز زبید زمین تا گنابد سپاه   | درو دشت از ایشان کی بود و سیاه |

و این جنگ که در شاهنامه به جنگ «یازده رخ» معروف است و بخاطر اینکه خونریزی زیاد نشود یازده نفر از ایرانیان با یازده نفر از تورانیان نبرد تن به تن می‌کنند و برنده این نبردهای تن به تن برنده جنگ نیز خواهد بود که در این جنگ پیروزی از آن ایرانیان می‌شود.



اول فریبرز با گلباد:

به لشکر برون تافت بر سان شیر

نخستین فریبرز، گسرد دلیر

دوم گیو با گردی زره:

برون رفت با پور گودرز، گیو

و دیگر گردی زره دیو نیو

سوم گرازه با سیامک:

بشد با گرازه به آوردگاه

سه دیگر سیامک ز توران سپاه

چهارم فروهل با زنگله:

دو جنگی به کردار شیر یله

چهارم فروهل بُد و زنگله

پنجم رهام با بارمان:

که بسا بارمان او نبرد آزمود

به پنجم چو رهام گودرز بود

ششم بیژن با روئین:

به زه بر نهادند هر دو کمان

ششم بیژن گیو و روئین دمان

هفتم هجیر با سپهرم:

گو نامدار و سوار هژیر

برون تاخت هفتم زگردان هجیر

هشتم گرگین با اندریمان:

ابا اتسدریمان ز توران سپاه

چو گرگین به هشتم بشد کینه خواه

نهم بر ته با کهرم:

دو خونی هر دو سر انجمن

نهم بر ته با کهرم تیغ زن

دهم زنگه شاوران با اخواست:

بشد ساخته زنگه شاوران

دهم راز گردان و جنگ آوران

یازدهم گودرز با پیران ویسه:

سواری ندید، اندر آوردگاه

چنان شد که شیران ز توران سپاه

فراز آمدند اندر آن کین دژم

سپهدار ایران و توران بهم

آری فردوسی شاعر بلند آوازه ایران زمین چندین قرن بعد بر بلندای این دشت وسیع و آباد ایستاده است تا شاهد و نظاره گر جنگهای ایرانیان و تورانیان باشد و روایت کند افسانه اساطیری این سرزمین را که برای حدود و ثغور آن چه رنجه کشیدند و اوبابیان سرگذشت هر کدام از قهرمانان داستان پر راز و رمز «استقامت ایران» اشک در چشمش حلقه میزند و با اشاره ای ما را به شنیدن چند بیت مختصر از آن شصت هزار بیت دعوت و با سنگینی نگاهش وادار به عبرت.

آنجا که از فتوحات و مقابلات رزم آوریهای نیاکانش در مواجهه با دشمنان سخن می گوید، صدایش عرش را به لرزه می افکند و در سماعی افتخار آمیز گرد خویش می رقصند و آنگاه که اساطیرش در دام فتنه ها و مناقشات داخلی گرفتار می شوند، گویی صدایش از چاهی ژرف بیرون می آید، شاید از گفتنش شرم دارد، اما.... اگر نگویید من چه دانم بر سر اجدادم

چه آمده است، انگشت عبرت را به سوی ما و داستان دژگیری طوس و فرود و نهایت قتل فرود و داستان قتل سیاوش.

و من دانستم چرا ما دو تا که هر کدام در عهدی و زمانی و مکانی غریب قرار داریم، در این مکان احساس قرابت و همزیستی می‌کنیم، او طوسی است و من از خاندان فرودم.

القصة این داستان را از آن جهت گفتیم تا نورسان امروزی، تاریخ و قدمت فرهنگ و تمدن خود را بدانند، گشت و گذاری در این تاریخ هر چند تاریک ما را به ستونهای تناور و مستحکمی در تاریخ ربط می‌دهد که قابل توجه و اعتنائند. ذکر این پیشینه از آنرو مهم است که تاریخ تولد این سرزمین با حضور و وجود پهلوانان و اساطیر برجسته ایران زمین پیوند خورده است، آنانی که برای حفظ میهن خویش جانهایشان را در قبضه‌های شمشیر و تیر و کمان تقدیم این مرز و بوم کرده‌اند.

شهری که توسط قهرمانان و پهلوانان نامدار بنا نهاده شده چگونه ممکن است از تاریخ تربیت بدنی تهی باشد چرا که واضح است این مهارت‌های جنگی نظیر سوارکاری، تیراندازی و غیره آمادگی بدنی مطلوب را می‌طلبد و باید این حرکات قبلاً توسط افراد قشون از طریق تمرین و ممارست به مهارت تبدیل شود. تربیت بدنی و مهارت‌های مربوط به آن در هر سرزمینی با ریشه‌های تاریخی و عوامل مؤثر در آن جزء لاینفکی از فرهنگ عمومی انسانها محسوب می‌شود، حرکات و سکناات بدنی، بازیهای بومی محلی که در قالب آداب و سنن ملی و محلی هر کدام نشان از ویژگیهای فرهنگی و تاریخی دارند که در دل خویش پنهان کرده‌اند.

به طور کلی ورزشهایی که در ادوار گذشته در منطقه گناباد متداول و مرسوم بوده است به

سه بخش عمده قابل تقسیم است:

۱- بخش ورزش پهلوانی شامل ورزش پهلوانی رقابتی و نمایشی

۲- بخش ورزشها فصلی و آئینی

۳- بخش بازیهای بومی و محلی

## الف - ورزشهای پهلوانی رقابتی

این گونه ورزشها از ویژگیهای خاصی برخوردار بودهاند که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف: طیف اندکی از اقشار جامعه قادر به انجام این ورزشها بودند.

ب: افرادی که مبادرت به ورزشهای پهلوانی می کردهاند دارای خصوصیات برجسته و

قابلیتهای ممتاز فیزیکی و جسمانی بودهاند و در مسابقات این توانمندیها را نشان می دادند.

ج: سن شرکت کنندگان از حد جوانان به بالا و تقریباً اینان در میانسالی به اوج شکوفای

ومهارت می رسیدند.

د: این مسابقات و ورزشها گاهاً به صورت برون شهری و با پهلوانان و قهرمانان سایر

نواحی انجام می شده است.

ه: قوانین حاکم بر این ورزشها توسط افراد خبره و تقریباً همگان از آن آگاهی داشتند.

و: انجام این رقابتهای محل و مکان خاصی را طلب می کرده که توسط بزرگان هر محل تعیین

می شده است.

ز: زمان برگزاری آن با فصول کار و اشتغالات مردم رابطه داشته است.

ح: از مهمترین عوامل آمادگی های جسمانی که در این ورزشها کارآمد و مؤثر بوده است

عبارتند از:

۱- قدرت عضلانی

۲- استقامت عمومی و عضلانی

۳- سرعت

ط: این رقابتها اغلب به صورت تک رشته ای و بعضاً به ندرت چند رشته ای برگزار می شده است.

ی: رشته های متداول عبارتند از:

۱- کشتی

۲- برداشتن اجسام سنگین از زمین و حمل آن (سنگ، تنه درختان تنومند، وسایلی مانند

سنگ آسیا، کیسه های سنگین غلات یا شن و ماسه، بلند کردن حیوانات سنگین، بلند کردن

چند نفر به طور همزمان که تمام آنها با دست، سرو یا دندان بوده است.)

۳- شکستن سنگ، چوبهای قطور و غیره با دست.

ک: این ورزشها حتماً به صورت رقابتی انجام می شده است.

ل: در مسابقات مربوط به این بخش خصوصیات فیزیکی افراد مد نظر نبوده است مثل

بلندی قد، سنگینی وزن و غیره

م: به برندگان اغلب هدایایی به صورت پول نقد، کالا و غیره اهدا می شده است.

## ب - ورزشهای پهلوانی نمایشی

الف: اغلب افرادی که در این رشته فعالیت می‌کرده‌اند از لحاظ خصوصیات بدنی قابلیت‌های منحصر به فردی داشته‌اند.

ب: عنصر رقابت در انجام این ورزشها و مهارتها دخالتی (نقشی) نداشته‌اند.

ج: پهلوانان و ورزشکارانی که مبادرت به انجام این کار می‌کرده‌اند علاوه بر کسب شهرت از طریق جمع آوری اعانه به امرار معاش نیز می‌پرداخته‌اند.

د: مجموعه حرکات و فعالیت‌های بدنی آن صرفاً جنبه ورزشی نداشته و گاه‌ها از سایر هنرها نیز در جذاب شدن برنامه هایشان استفاده می‌کرده‌اند مانند تردستی، استفاده از مهارت‌های حیوانات و حرکات اکروباتیک

ه: این افراد قبل از شروع حرکت در شهر یا آبادی مبدأ، مقصد خود را انتخاب کرده و سپس در اغلب شهرها و آبادیهای مسیر خود به اجرای برنامه می‌پرداختند.

و: برخی از این پهلوانان از فرزندان ذکور یا افراد دیگری برای اجرای حرکات خود استفاده می‌کرده‌اند.

ز: تمامی آنان وسایل و ادوات مربوط به نمایش خود را طی سفر با خود حمل می‌کرده‌اند که برخی از این وسایل عبارتند از (انواع وزنه‌های فلزی و غیره، انواع طناب‌های قطور و زنجیر) ح: حضور تماشاچیان بعنوان اصلی‌ترین مشوقین پهلوان از طرق مختلف مانند جارچیان محلی یا افرادی که با پهلوان بدین منظور وی را همراهی می‌کردند محقق می‌شده است.

ط: محل انجام این نمایشها معمولاً میادین اصلی شهر یا آبادی بوده است.

ی: مهارتهای آنان عبارت بوده است از:

۱- بلند کردن اجسام سنگین و حمل آن

۲- پاره کردن طناب یا زنجیر یا صفحات فلزی مانند مجموعه (سینی بزرگ مسی) یا خم

کردن مسکوکات فلزی

۳- شکستن سنگ یا آجرهای قطور

۴- انجام حرکات آکروباتیک (تقریباً شبیه به حرکات ژیمناستیک)

۵- استفاده از مهارتهای حیوانات دست آموز

## - ورزشهای فصلی و آئینی

این ورزشها در شهرستان گناباد به تناسب فصل و آئینهای ملی و محلی و حتی مذهبی برگزار می شده است مثلاً در ایام عید نوروز در اقصی نقاط گناباد مردم با نشاط و شادابی تمام علاوه بر شرکت در جشنهای عروسی، ختنه سوران و غیره با تجمع در محلی خاص که معمولاً میدانی در بیرون شهر یا آبادی بوده قابلیت های جسمانی و مهارتهای فردی خود را به نمایش می گذاشتند، مثلاً در روز سیزده نوروز در مرکز شهرستان در محل حوض زنگی (محل فعلی خیابان حافظ شرقی گناباد) مردم در آن محل جمع می شده اند و به انجام ورزشهایی که ذیلاً به آن اشاره می شود می پرداختند که البته با این فعالیتها گروهی با موسیقی که بیشتر ساز و

دهل و سورنا بوده است آنان را همراهی می کرده اند و اما ورزشهای انجام شده:

۱ - پرش طول (پله جستن): این ورزش شباهت بسیار زیادی با پرش طول امروز دارد با این تفاوت که قسمت دورخیز کردن و قسمت فرود «چاله پرش» غیر همسطح بوده است، از بزرگان این رشته طی یک قرن گذشته می توان از آقایان محمد قهرمانی، حسین عشقی، غلامرضا آراسته و حسن پورابراهیم نام برد.

۲ - کشتی گرفتن: کاملاً به صورت سنتی برگزار می شده است و هدف کشتی گیر بدون ملاحظه زمان، فقط رساندن پشت حریف به خاک بوده است. در این رشته وزن یا سن افراد لحاظ نمی شده است و اغلب جوانان یا میانسالان در آن شرکت می کرده اند (رقابتها اکثر سالها بین کشتی گیران دو محله بالا و پائین مرکز شهرستان) برگزار می شده است و از کشتی گیران بنام یک قرن گذشته می توان از مرحومان حاج ابراهیم سمرقندی، کربلائی محمد پهلوان، حسن قیصری، استاد علی رضائی، حسن غلامزاده و در این اواخر از حاج حسن پورابراهیم نام برد.

۳ - بلند کردن اجسام سنگین با دست، دندان یا غیره نظیر آنچه قبلاً ذکر شد.

۴ - اسب سواری و مهارتهای مربوط به آن شامل: الف - اسب سواری رقابتی برای طی مسافتی به صورت رفت و برگشت.

ب - اسب سواری همراه با گذاشتن یا برداشتن اشیاء روی زمین.

ج - انجام حرکات نمایشی در حین حرکت روی اسب، عبور از زیر اسب و رفتن به طرف دیگر اسب که به سرعت در حال حرکت بوده است.



د - سوار و پیاده شدن از اسب در حال حرکت که از جمله بهترین سوارکاران گناپاد که تبحر فوق العاده‌ای در اسب سواری و انجام حرکات نمایشی مربوط به آن داشت مرحوم کربلایی عباس عشقی بوده است.

۵ - پرتاب سنگ یا اشیاء سنگین که تقریباً شبیه به پرتاب وزنه امروزی است و مشخص کردن برنده از روی بیشترین پرتاب بوده است.

۶ - تیر اندازی: از جمله مهارتهایی بوده است که به علت نقش مؤثری که در دفاع و جنگ داشته است بسیار مورد توجه بوده است، معمولاً جنگاوران و شکارچیان برای حفظ آمادگی خود در اغلب ایام سال به دفعات آن را انجام می‌داده‌اند و گاه‌آ از سوی نهادهای حکومتی و حکمرانان محلی نیز مسابقاتی برای جلب و جذب نخبگان این رشته در قشون و سپاه برگزار می‌شده است که از نخبگان این رشته در یک قرن گذشته می‌توان از محمدعلی سردار و رمضان رمضانی نام برد.

۷ - دوهای سرعت و استقامت: در مسافتهای متغیر و افراد پس از طی مسافتی در مقصد (سنگ، چوب و غیره) را برداشته به مبدأ می‌آورده‌اند.

۸ - طناب کشی: که این مسابقه کاملاً تفننی بین محلات انجام می‌شده است و در بین جوانان بیشتر شایع بوده است.

۹ - معج انداختن

۱۰ - سه پایه گرفتن: بیشتر در مراسم عروسی مرسوم بوده و بدین صورت که سه یا چهار

نفر دستها را روی شانه هم گذاشته در حالی که نشسته بوده‌اند و گروههای بعدی با همان روش روی شانه‌های نفرات قبلی نشسته و سپس از گروه بالا به پائین حرکت می‌کرده‌اند.

## - بازیهای بومی محلی

آنچه تاکنون آمد تقریباً فصل مشترک فعالیت‌های بدنی یا ورزشی اهالی گناباد با سایر مناطق با تکیه بر قابلیت‌های منطقه گناباد بوده و تقریباً در اکثر نقاط کشور با اندک اختلافی انجام می‌شده است، چرا که مبدع بوجود آورندگان آنگونه حرکات و سکنات معمولاً پهلوانان مشهور و حاکمان و فرمانروایان نواحی بودند که در اشاعه آن نقش حداکثری داشتند.

اما بازیهای بومی و محلی زاده و حاصل تفکرات فرهنگی و تاریخی مردم هر منطقه می‌باشد و بعضاً ریشه‌های عمیقی در آداب و رسوم و اعتقادات اهالی هر محل دارد. بنابراین تفاوت ویژه‌ای با ورزشهای پهلوانی که شرح آن گفته شد دارد. از مهمترین خصوصیات بازیهای بومی و محلی می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد.

۱ - بازیهای بومی و محلی شامل طیف وسیعی از حرکات و سکنات بدنی و ورزشی را شامل می‌شده که گاهی به صورت مجزا و یا به صورت بخشی از یک آئین و رسوم محلی مورد توجه قرار می‌گرفته است.

۲ - چنانچه در ورزشهای پهلوانی و فصلی اشاره شد، انجام دهندگان آن ورزشها اغلب افراد محدودی بودند اما بازیهای بومی محلی را از بچه‌های پنج ساله تا پیرمرد هفتاد ساله

انجام می دادند، البته نه همه بازیها را، اغلب این کودکان و نوجوانان بودند که مبادرت به آن می کردند.

۳- این بازیها معمولاً به اسباب و ادوات خاص و پیچیده که نتوان آن را تهیه کرد نداشته

است و اغلب وسایل مورد نیاز توسط اهالی محل براحتی تهیه می شده است.

۴- از مهمترین ویژگیهای این بازیها کسب عنصر نشاط و حفظ درونی است که برای افراد

بوجود می آورد، این ورزشها و بازیها به دلیل ایجاد فضای تفریحی و تفریحی که رقابت های

فردی و گروهی را باعث می شده بسیار لذت بخش بوده است.

۵- اجبار و التزام از هر نوع، نقشی در شرکت افراد در این بازیها نداشته است، بلکه هرگاه چند نفر

حتی بر حسب اتفاق دور هم جمع می شدند مبادرت به انجام یک یا چند بازی در آن واحد می کردند.

۶- قوانین و مقررات اغلب بازیها علاوه بر مقبولیت عمومی به صورت خلق الساعه هم

بوده، آنان بلافاصله پس از تصمیم به انجام بازی با شور و مشورت بر اساس مقتضیات زمانی

و مکانی و امکانات، مقررات مربوط به ورزش خود را تعیین و گاهاً حتی در حین انجام بازی

هم توسط فرد سرگروه به راحتی قابل تغییر بوده است.

۷- این بازیها تأثیر بسزایی در پرکردن اوقات فراغت مردم داشته است و تقریباً هیچ موقع

کار، جای آن را نمی گرفته است، به طور مثال یک کشاورز پس از ۱۴ الی ۱۵ ساعت کار بدنی

و مشقت بار تنگ غروب که به آبادی بر می گشت به دیگران ملحق شده و علاوه بر بحث و

تبادل نظر پیرموان مسائل شغلی و غیره به انجام این بازیها نیز می پرداخته است.

۸- عامل مؤثر دیگر در انجام بازیهای بومی محلی و تفاوت عمده آن با ورزش پهلوانی

استفاده از قوای ذهنی مانند (هوش، حافظه، سرعت عمل ذهنی، سرعت در تصمیم‌گیری و غیره) بوده است در صورتی که ورزشهای پهلوانی بیشتر جنبه زور آزمایی بدنی و جسمانی داشته است.

۹- در این بازیها بر خلاف ورزشهای پهلوانی، رقابت جدی، حیثیت و آبرو، غرور و از پای افتادن کمترین نقشی نداشته و اغلب بعنوان یک کار تفننی و تفریحی به حساب می‌آمدند.

۱۰- ورزشهای پهلوانی در سال ممکن است یک یا دو بار انجام شوند ولی بازیهای بومی محلی به کرات در تمامی ایام سال انجام می‌شده است و بسته به فصول مختلف این بازیها تغییر می‌کرده است. برخی از مهمترین بازیهای بومی محلی منطقه گناباد عبارتند از: لَپَر بازی، سنگ چق چق، عرقچین گردونک، گال چمبه، استخوان مهتاب، کَبَد بُدی، اوشَلُو، تشله بازی، جوزبازی، یک قل دو قل، قطار بکار، رورو بازی، دزد بازی، سنگ چهل باز، استای زنجیر بان، کوکو بازی و غیره

«ضمناً قابل یادآوری است که تمام بازیهای محلی گناباد توسط آقایان حسین پورابراهیم، ابوالحسن دلشاد، علی مصباح و منوچهر نوربخش جمع‌آوری شده که انشاءا.. اگر پولی از غیب حواله شود در آینده چاپ خواهد شد.»

**حسین پورابراهیم - علی مشکین رو**